

مفهوم عبادت

و نماز در اسلام

مجله علمی: الحج سنیہ عابد پیمان سویدن



۱۳۹۴

تتبع، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

و داکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

www.masjed.se

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم مفهوم عبادت و نماز در اسلام

عبادت:

«ایاک نعبد و ایاک نستعین» پروردگارا درگفتن: «ایاک نعبد» خاص تورا عبادت میکنم، صادقم. پروردگارا درگفتن: «ایاک نستعین» خاص از تو استعانت و مساعدت میجویم، کاذب نیستم. کلمه عبادت در قرآن عظیم الشان بصورت کل (275) بار ذکر گردیده است. عبادت از ریشه «عَبَدَ» و به معنای پرستش و اطاعت خاشعانه و نهایت خضوع است. از ریشه عبد دو مصدر عبودیت و عبادت مشتق شده است. این دو اصطلاح در عبری و عربی مورد استفاده قرار گرفته، و دارایی یک معنی میباشد. عبادت و پرستش در سه دین ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) بعنوان یک اصل جدایی ناپذیر برشمرده می شود که در هر سه دین به عنوان یکی از اولویتها بر آن تأکید شده است.

عبادت را علماء به حبل متین محکمی و مستحکم در حیات فردی و اجتماعی و حتی سیاسی انسان معرفی داشته است. انسان از طریق عبادت با پروردگار خویش مرتبط میشود. انسان با عبادت صادق در رحمت پروردگار قرار میگیرد، و از یاد نه برید که با انجام و ادا عبادت به عزت کامل میرسد. و جان و روحش را در معرض رحمت پروردگار قرار میدهد.

«وما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (سوره الذاریات: آیه 56) جن و انس را نیافریدیم مگر برای این که مرا پرستش کنند» یعنی هدف از خلقت که رسیدن انسان به کمال مطلق باشد، تنها از راه عبادت میسر میگردد. پیامبر صلی الله علیه و سلم میفرماید: «این دین محکم و متین است. پس با ملایمت در آن درآیید و عبادت خدا را بر بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید که در این صورت مانند سوار در مانده ای هستید که نه مسافت را پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته است). افراط و زیاده روی در عبادت موجب خستگی روح و بی رغبتی مومن نسبت به عبادت و گریز از آن می شود.

عبادت:

عبادت اسم جامعی است که تمام آنچه را که پروردگار با عظمت ما دوست می دارد و به آن خوشنود می گردد، در بر می گیرد اعم از عقاید و اعمال قلوب و اعمال جوارح و همه اعمالی که بنده را به الله نزدیک میسازد. بنابراین همه آنچه که خداوند در کتابش و سنت رسولش حضرت محمد صلی الله علیه

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

وسلم مشروع قرار داده در تعریف عبادت داخل است. عبادت انواع مختلفی دارد، بعضی عبادات قلبی اند، مانند ارکان ششگانه ایمان، ترس، رجاء، توکل، رغبت، رهبت و غیره، و بعضی عبادات ظاهری است، مانند: نماز و زکات، روزه، حج.

عبادت صحیح نمی شود مگر اینکه بر دو اصل مبتنی باشد:
اول:

اینکه عبادت خالص برای الله تعالی انجام گیرد و به او شریک آورده نشود. این معنای گواهی دادن لاله الا الله است.

چنانکه الله تعالی می فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ، أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ.» (3-2 سُوْرَةُ الزُّمَرِ) (ما این کتاب را که در بر گیرنده حق و حقیقت است، بر تو فرو

فرستادیم. خدا را پرستش کن و پرستش خود را خاص برای او گردان. هان! تنها طاعت و عبادت خالصانه برای الله است و بس. کسانی که جز خدا سرپرستان و یاوران دیگری را بر می گیرند، گویند ما آنان را پرستش نمیکنیم مگر بدان خاطر که ما را به خداوند نزدیک گردانند، بی گمان خداوند بین آنان در (بارۀ) آنچه که در آن اختلاف می ورزند داوری می کند، خداوند کسی را که دروغگوی ناسپاس است هدایت نمی کند.)

و می فرماید: «وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ.» آیه 5 سُوْرَةُ النَّبِيَّةِ. (درحالی که به ایشان دستور داده نشده بود مگر اینکه مخلصانه و حقگرایانه خدا را پرستند و نماز بر پا دارند و زکات بپردازند و این است آیین راستین).

دوم:

پیروی از رسول الله صلی الله علیه وسلم به این شکل که بنده مثل پیامبر صلی الله علیه وسلم عمل کند بدون اینکه چیزی از آن کم کند یا به آن بیفزاید، و این به اساس و معنای گواهی محمد رسول الله است. لذا می فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ آيَةٌ 31 سُوْرَةُ آلِ عِمْرَانَ» (بگو اگر خدا را دوست می دارید از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان شما را برایتان بیامرزد).

و میفرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا آيَةٌ 7 سُوْرَةُ الْحَشْرِ» (و آنچه رسول (خدا) به شما بدهد، آن را بگیرید. و از آنچه که شما را از آن باز دارد اجتناب کنید.)

و میفرماید: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يَحْكُمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيَسْلَمُوا تَسْلِيمًا آيَةٌ 65 سُوْرَةُ النَّسَاءِ» (سوگند به پروردگارت، (در حقیقت) ایمان نیاورند، مگر آنکه در اختلافی که بین آنان در گرفت، تو را داور کنند. آنگاه از آنچه حکم کردی، در خود هیچ دلتنگی نیابند و کاملاً گردن نهند.)

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

عبودیت کامل متحقق نمی شود مگر به دو چیز:

اول: کمال محبت الله، به طوری که بنده محبت خدا و محبت آنچه که در نزد خدا محبوب است را بر محبت هر چیز دیگری مقدم بدارد.

دوم: کمال عاجزی و گرنش برای الله به طوری که بنده در تنفیذ اوامر و اجتناب از نواهی همواره در برابر او خاضع و فرمانبردار باشد.

پس عبودیت آن است که کمال محبت و کمال خضوع و تَدَلُّل و خوف و رجاء در آن جمع باشد، و بنده زمانی به محبت و خوشنودی الله می رسد که عبودیت را به شکل کامل آن انجام دهد.

پس الله دوست دارد که بنده اش با انجام فریضی که او را بدانها مکلف کرده خود را به او نزدیک کند و هر چه بنده عبادت مستحب بیشتر انجام دهد به خدا نزدیکتر میشود و منزلت او در نزد الله عزوجل بالاتر می رود، و به فضل و رحمت او تعالی این تقرب از اسباب رسیدنش به جنت خواهد گردید.

خداوند متعال می فرماید: « ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يَجِبُ الْمُعْتَدِينَ » (آیه 55 سوره سُورَةُ الْأَعْرَافِ) (پروردگارتان را با تضرع و پنهانی (به نیایش) بخوانید، بی گمان او از حد گذرندگان را دوست نمی دارد).

فطری بودن عبادت:

مفسران و علماء در تحقیقات خویش میگویند که: عبادت، نوعی رابطه است که بین انسان و معبود او تحقق پیدا می کند. یکی از اصیل ترین تجلیات روح و مهم ترین ابعاد وجود انسان، حسّ پرستش و نیاز به عبادت است.

پرستش و عبادت، در وجود انسان ریشه عمیقی دارد و همه پیامبران در رسالت خویش به انسان تعلیم میدهند که باید عبادت الله را بکنند. بدین اساس عبادت به مفهوم و طریق واقعی کلمه آمده است و قرآن عظیم الشان با صراحت تام میفرماید: « ای انسان، ربّ خود و پروردگارت را بپرست که او تو و جهانیان را آفریده است و زمام امورشان را به دست دارد. »

عبادت راز آفرینش است:

در قرآن عظیم الشان، در آیات متعددی در مورد هدف خلقت انسان یاده شده است. از جمله در آیه ای می خوانیم که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «من جنّ و انس را نیافریدم، مگر برای پرستش و بندگی.»

تشویق به عبادت:

سراسر آیات قرآنی، تشویق و ترغیب به عبادت است و گاه در ضمن این کار، به حکمتی از حکمت های عبادت هم اشاره می شود. بطور مثال، در آیه ای می خوانیم: «ای مردم، پروردگارتان را که شما و مردمان پیش از شما را آفریده است، عبادت کنید. اثرات عبادت و بندگی الله (ج)

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

برای پی بردن به تأثیر عبادت و نیایش در تهذیب نفس و پرورش فضایل اخلاقی، قبل از هر چیز باید با مفهوم و حقیقت عبادت آشنا شد. گرچه بحث درباره حقیقت عبادت گسترده است و علمای جلیل القدر در تفسیر، احادیثی، اخلاق و فقه مباحث متعددی علمی، انجام داده اند، اما در يك اشاره کوتاه چنین می‌توان گفت: برای یافتن حقیقت عبادت باید به کلمه «عبد» و مفهوم آن که ریشه اصلی عبادت است، توجه نمود.

«عبد» از نظر لغت به انسانی گفته می‌شود که سرتاپا تعلق به مولا و صاحب خود دارد؛ اراده‌اش تابع اراده او، و خواستش تابع خواست اوست؛ در برابر او خود را مالک چیزی نمی‌داند و در اطاعت او سُستی به خود راه نمی‌دهد. بنابراین، عبودیت اظهار آخرین درجهٔ خضوع در برابر کسی است که همه چیز از ناحیه اوست و به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که تنها کسی می‌تواند «معبود» باشد که نهایت انعام و اکرام را کرده است و او کسی جز الله (ج) نیست! به عبارۀ دیگر «عبودیت» نهایت اوج تکامل روح يك انسان و قُرب او به الله تعالی است، و عبودیت تسلیم مطلق در برابر ذات پاک اوست؛ عبادت تنها رکوع و سجود و قیام و قعود نیست، بلکه روح عبادت تسلیم بی‌قید و شرط در برابر کمال مطلق و ذات بی‌مثالی است که از هر عیب و نقص مبرا است. بدیهی است چنین عملی بهترین انگیزه توجه به کمال مطلق و پرهیز از هرگونه آلودگی و ناپاکی است؛ چرا که انسان سعی می‌کند خود را به معبود خویش نزدیک و نزدیکتر سازد تا پرتوی از جلال و جمال او در وجودش ظاهر شود که گاه از آن تعبیر به «مظهر صفات خدا شدن» می‌کنند.

عبودیت گوهری است که ربوبیت در درون آن نهفته است. اشاره به این که است عبد تلاش و کوشش می‌کند که خود را در صفات شبیه معبود سازد و پرتوی از صفات جلال و جمال او را در خود منعکس کند.

حکمت و هدف عبادت، بخصوص نماز در اسلام

گفتیم هدف از عبادت، رشد و تکامل انسان است، زیرا الله کمال مطلق است و انسان برای رسیدن به کمال باید خود را به او نزدیک کند و راه تقرب انسان به خدای متعال، عبودیت و بندگی است.

اثر بندگی رفع تاریکی‌های درونی از صفحه دل و نورانی شدن آن به انوار ملکوت و آمادگی جان انسان برای پذیرش تجلیات حق و تابش نورعشق الهی است. بسیاری از نماز خوانان، نماز می‌خوانند، ولی نمی‌دانند، برای چه نماز می‌گذارند و در نتیجه از هدف اصلی آن غافلند. بدین اساس از نماز خویش سود و فایده ای لازم نمی‌برند، و این عبادت در روح آنان اثری نگذاشته و یا اثری نامحسوس و غیر قابل توجه گذاشته است. حالت ایشان به زاغی که صرف نول به زمین می‌زند، مشابه بوده، که به این ترتیب به عبادت و نماز پرداختن نتیجه با غفلت به پایان می‌رسانند.

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

به یاد باید داشته باشیم که چنین نمازی باز دارنده از گناهان نیست. با آنکه قرآن عظیم الشان نماز را بازدارنده از فحشاء و منکر شمرده است معلوم می شود نمازش در حقیقت نماز نبوده، بلکه صورتی از نماز بوده است.

نقش عبادات در تزکیه اخلاق:

در نظام اخلاقی اسلام، هدف از عبادت، ارتباط دائم با مدبر کارگاه هستی است، و این ارتباط باید به نحوی برقرار شود که در طول حیات بشر پایدار بماند. تکامل اخلاقی انسان ها نیاز شدید به چنین پیوندی دارد. هر لحظه که ارتباط سست و یا قطع شود، سیر نزولی شروع می گردد. احکام عملی و عبادات در شرعیت اسلام به منزله پایگاه های تقویتی ای هستند که ارتباط را محکم ترمی گردانند تا سیر کمالی بشر، بدون ترس و اضطراب به کمال مطلوب برسد.

هنگامی که پیوند حقیقی بین پروردگار و یا به عباره دیگر پیوند حقیقی و واقعی بین خالق و مخلوق برقرار شد، هر لحظه ای که از حیات انسان بگذرد، عبادت محسوب می شود؛ خواه در آن لحظه، کار فیزیکی انجام داده، یا به تفکر پرداخته باشد. عبادات و احکام، برنامه دقیق زندگی اند که در سایه آن ارتباط با خالق، تقویت و تثبیت می شود؛ اما نکته مهم، هدف از برقراری ارتباط با الله است. هدف، این است که تمام افعال انسان، تحت نظام در آید و جهت مخصوص به خود گیرد تا آن جا که وقتی به امور شخصی زندگی می پردازیم یا موقعی که در آزمایشگاه، سرگرم تحقیق هستیم و یا در مسند قضاوت، حق را از باطل تشخیص می دهیم یا در بازار، در حال خرید و فروشیم، بدون توجه به این که کارمان کوچک است یا بزرگ، خدا را ناظر اعمال خود بدانیم. و در هر جای الله را حاضر و شاهد بدانیم.

عبادات، مانند باغبان دلسوزی، هرگونه علف هرزه را از زمین روان انسان، پاک می کنند. چنین انسانی، در صورت کسب آگاهی، آمادگی هر چه بیشتر برای پرورش صفات حسنه را در خود ایجاد کرده و شایسته است که از چنین موقعیتی حداکثر بهره برداری را بنماید؛ چرا که بسیار مردمی که زحمات فراوان در راه عبادات ضروری و غیر ضروری متحمل می شوند، لیکن عبادتشان چون از روی آگاهی انجام نمی گیرد، اثری در پرورش صفات نیک ندارد. این طبقه، با آن که مضر به حال اجتماع نیستند، مفید هم نمی توانند باشند؛ زیرا لازمه مفید بودن، تخلق به اخلاق خداوند و عملی کردن ارزش های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی است و این ارزش ها نیز تنها در فضای آگاهی و انتخاب آگاهانه به ثمر می نشینند و نتیجه می دهند و بس!

قرآن عظیم الشان در موارد متعددی بعد از آن که مسلمانان را به اجرای مراسم عبادی دعوت می کند، بلافاصله از آن برای عبادت کننده توصیه میکند که به کارهای نیکو و پسندیده مبادرت ورزد. بطور مثال پروردگار ما در سوره جمعه در خاتمه آداب نماز جمعه می فرماید: « اکنون در روی زمین برای کسب فضیلت، متفرق شوید ». در حقیقت، ثمره عبادات، ظهور اخلاق و افعال پسندیده در فرد و جامعه است و شرط

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

ثمربخشی اعمال و اخلاق پسندیده در ساخت جامعه خدایسند و آرمانی اسلام نیز نیت صالح و پذیرش و انتخاب آگاهانه و آزادانه آن اعمال و صفات است.

در دین مقدس اسلام عبادت 24 ساعته است :

عبادت در دین مقدس اسلام منحصر به مکان معین و یا هم زمان معین نمیباشد ، بلکه تمامی لحظات زندگی انسان شامل دو بخش (عبادت یا معصیت می باشد) و عبادات اسلامی در زمان های مختلف و اماکن مختلف انجام می پذیرد .
شخصی از دانشمندی اسلامی در مورد فلسفه عبادت 24 ساعته در دین مقدس اسلام پرسید که شما در 24 ساعت چند ساعت مصروف عبادت میباشید ؟ دانشمند در جواب سوال کننده گفت : ما مسلمانان در 24 ساعت در یک شبانه روز همیشه مصروف عبادت میباشیم .

سوال کننده گفت : پس شما هیچ نمی خوابید؟ دانشمند در جواب گفت: وقتیکه شخص مسلمان خواب خود را به طریقه ی پیامبر صلی الله علیه وسلم انجام دهد ، بنابراین خواب اش هم عبادت محسوب می شود .

بنابر گفته ی این دانشمند فلسفه ی حقیقی عبادت را در دین مقدس اسلام بیان می دارد، زیرا در دین مقدس اسلام همه ی اعمال یك مسلمان مطابق احکام الهی می باشد ، زیرا :
هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام ازدواج نماید ، عبادت نموده است .
هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام تجارت نماید ، عبادت نموده است .
هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام دعوتی تهیه نماید، عبادت نموده است .
هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام غذا بخورد ، عبادت نموده است .
هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام باخانم و اعضای فامیل خویش اخلاق خوب نماید ، عبادت نموده است .

هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام در بدست آوردن نفقه حلال برای خود و فامیل خویش سعی نماید ، عبادت نموده است .

هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام سوار موتور شده ، آداب و اخلاق نشستن در موتور را مراعات نماید ، عبادت نموده است .

هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام با همسایه های خویش معامله خوب نماید، عبادت نموده است .

هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام با اقارب خویش رفت و آمد نماید، عبادت نموده است .

هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام سخن گوید، عبادت نموده است .

هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام نشست و برخاست نماید، عبادت نموده است .
هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام به والدین خویش احترام نماید، عبادت نموده است .

هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام لباس بپوشد عبادت نموده است .

هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام در هنگام آوردن اطفال برایشان نام های

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

اسلامی اختیار نماید ، عبادت نموده است . هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام در تربیه اولاد های خویش سعی و کوشش نماید عبادت نموده است .

هرگاه کسی مطابق احکام دین مقدس اسلام در مجالس مشارکت نماید ، مهمانی کند ، همه جزء عبادت حساب می شود ، زیرا برای همه ی این امور در دین مقدس اسلام احکام و قوانینی وجود دارد که مطابقت این اعمال با احکام دین مقدس اسلام، عبادت پنداشته می شود .

وظیفه ی يك مسلمان حقیقی است که همیشه برای فهمیدن احکام دین مقدس اسلام ، و طریقه ی پیامبر سعی و تلاش نماید . زیرا فهم این امور انسان را برای عملکرد به آنان آماده می سازد .

چرا عبادت فقط نماز خواندن باشد؟

قبل از همه باید گفت که عبادت صرف نماز خواندن نیست ، هر چیزی که در راه الله و برای رضای الهی انجام شود، عبادت است .

کمک و دستگیری از فقرا ، خدمت به جامعه و عالم بشریت ، هم نوعی از عبادت است . اما در هر دینی یک نوع عبادت رسمی و مشخص وجود دارد که مبین وجود کامل و یا هم هویت آن دین را بیان میکند ، نماز کارت شناخت ، تذکره و یا به اصطلاح کارت هویت یک شخصی مسلمان در دین مقدس اسلام است .

عبودیت و پرستش یکی از نیازهای انسان است . انسانها از بدو پیدایش تا به امروز به شکلی از اشکال مصروف عبادت و پرستش داشته اند .

روح انسان نیاز به عبادت و پرستش دارد . با تمام صراحت باید گفت که : هیچ وجود مادی جای عبادت را پر کرده نمیتواند .

زیباترین ، مقبولترین و احسنترین و کاملترین شکل پرستش در دین اسلام نماز است . دانشمندان گفته اند:

برای رسیدن به عرفان الهی و شناخت خود و خداوند متعال مراحلی را باید طی شود .

وبهترین راه وصول عبادت بصورت کل و عبادت نماز به صورت خاص میباشد .

در فرهنگ اسلامی تعیین کردن و مشخص نمودن شکل عبادت، با شارع مقدس است و کسی نمی تواند عبادتی اختراع کند . هر امور عبادی روشن بدعت و تشریح است که کار حرامی است، زیرا امور عبادی را همان گونه که از طرف شارع مقدس بیان شده است، باید انجام داد، نه کمتر و نه بیشتر .

نماز رابطه بنده با الله است ، و طبیعی است که بنده آن را به جا می آورد که خواسته

خداوند و معبود اوست و اصولاً هدف اصلی از خلقت انسان بندگی است و نماز بهترین شیوه اظهار بندگی است و اگر قرار باشد که هر انسانی بر طبق خواسته خود عمل نماید نه آن چیزی که خداوند از او خواسته این دیگر بندگی خداوند نمی شود بلکه بندگی خود و عمل بر طبق خواسته خود است .

همان گونه که قرآن عظیم الشان با لفظ ومعنای خویش هماهنگ و اعجاز است الهی به

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

همین ترتیب شکل نماز هم قشنگ است، هم معارف بلند اسلامی در آن وجود دارد، هم تسبیح و تقدیس لفظی است و هم تقدیس عملی می‌باشد. تکبیر، قیام و قعود، رکوع و سجود و تسبیح و تحمید و دعا و سلام و خلاصه همه زیبایی‌ها در نماز است. با این همه اگر نماز به طور صحیح و کامل با حفظ شرایط و آداب خوانده شود، جلوی بسیاری از مفاصل اجتماعی را می‌گیرد: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذَكَرَ اللَّهُ أَكْبَرَ» نماز اگر با مقدمات و تعقیبات همراه باشد، انسان را به اوج معنویت می‌رساند. آذان با آن محتوای زیبا دل را می‌نوازد. نماز جماعت مخصوصاً در مساجد بزرگ مانند مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه وسلم زیباترین جلوه عبادت، همدلی، یکرنگی، صفا و صمیمیت است.

آیا نماز اصل دین است؟

خواننده محترم!

ما دو اصل داریم:

اول: ارکان ایمان

دوم: ارکان اسلام

ارکان ایمان شش تا هستند: (ایمان به الله، ایمان به تمامی ملائکه خداوند، ایمان به تمامی کتابهای آسمانی، ایمان به تمامی پیامبران الهی، ایمان به روز قیامت و ایمان به قضا و قدر هم خیر آن و هم شر آن). دلیل برایمان بر این ارکان این فرموده الله تعالی می‌باشد: «لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ» (سوره بقره 177).

یعنی: «نیکی این نیست که روی خود را به سوی مشرق و مغرب کنید بلکه نیکی این است که به الله، روز آخرت، ملائکه، کتابها و پیامبران ایمان داشته باشید».

و از سنت حدیث جبرئیل است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال می‌کند و می‌گوید: «أَخْبَرَنِي عَنْ الْإِيمَانِ قَالَ أَنْ تُؤْمِنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتُؤْمِنَ بِالْقَدْرِ خَيْرِهِ وَشَرِّهِ قَالَ صَدَقْتَ». بخاری (50)، و صحیح مسلم (8).

یعنی: «مرا از ایمان خبر ده، ایشان فرمودند: ایمان عبارت است از این که ایمان بیاوری به یگانگی خدا، به ملائکه، به پیامبران، به روز قیامت، به سرنوشت؛ (یعنی تقدیر)، و ایمان بیاوری به خیر و شر آن، گفت: راست گفتی».

و ارکان اسلام هم پنج تا هستند: (شهادتین، نماز، روزه رمضان، زکات، حج). در حدیث عبدالله بن عمر رضی الله عنه آمده که رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصَوْمِ رَمَضَانَ وَحَجِّ الْبَيْتِ». بخاری (8)، و صحیح مسلم (16).

یعنی: «سلام بر پنج چیز بنا شده است: اول شهادت، بر اینکه خداوند، یکی است و جز او، معبود برحق وجود ندارد و محمد صلی الله علیه وسلم رسول الله است. دوم: اقامه نماز، سوم: دادن زکات، چهارم: روزه گرفتن ماه مبارک رمضان، پنجم: ادای حج».

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

بنابراین متوجه شدیم که نماز دومین رکن از ارکان اسلام است، پس نماز رکن اسلام و رکن دین است، و رکن یعنی پایه و اساس دین که اگر نباشد دین و اسلام فرد هم فروخواهد ریخت و ویران خواهد شد، برای همین است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: «رأس الامر الاسلام، و عموده الصلاة، و ذروة سنامه الجهاد فی سبیل الله». یعنی: «سر کارها اسلام است، و ستون آن نماز است، و بلندترین قله آن جهاد در راه خدا است».

و نماز نخستین عبادتی است که خدا واجب کرده است. (صحیح ترمذی - 2616). و عبدالله بن قرط نقل کرده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «أول ما یحاسب علیه العبد یوم القیامة الصلاة فإن صلحت صلح سائر عمله، وإن فسدت فسد سائر عمله» «اولین چیزی که انسان در روز قیامت بر آن باز خواست خواهد شد، نماز است، اگر کار آن درست باشد، دیگر کارهایش نیز درست است، و اگر کار آن تباه گردد، دیگر کارهایش نیز تباه می‌گردد». (راویت طبرانی).

و لذا مسلمانان اجماع دارند بر اینکه اگر کسی فرضیت نماز را انکار کند، کافر شده و از دایره اسلام خارج می‌شود. اما درباره کسی که با وجود اعتقاد به وجوب نماز، آن را ترک کند، اختلاف نظر دارند و سبب اختلاف هم احادیثی است که از پیامبر صلی الله علیه وسلم ثابت شده و در آنها تارک الصلاة کافر نامیده شده، بدون اینکه بین کسی که نماز را از روی انکار ترک کرده و کسیکه از روی سهل‌انگاری (نماز را) ترک کرده، تفاوت قائل شده باشد.

از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «إن بین الرجل و بین الشرك و الکفر ترک الصلاة» (مسلم 82). «حد فاصل میان انسان و شرک و کفر ترک نماز است». (مسلم 82).

از بریده روایت است از پیامبر صلی الله علیه وسلم شنیدیم که می‌فرمود: «العهد الذی بیننا و بینهم الصلاة فمن ترکها فقد کفر» (ابن ماجه 1079). «مشخصه‌ی بین ما و آنها (کفار و مشرکین) نماز است، هر کس آنرا ترک کند کافر می‌شود». (ابن ماجه 1079).

و در کتاب خدا صراحتاً ذکر شده که اگر کسی اهل نماز نباشد او جهنمی خواهد بود؛ چنانکه قرآن کریم از زبان اهل جنت که با اهل جهنم سخن می‌گویند می‌فرماید: «إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ، فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ ، عَنِ الْمُجْرِمِينَ ، مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ ، قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» (سوره مدثر آیه 41-43).

یعنی: مگر «اصحاب یمین» (که نامه اعمالشان را به نشانه ایمان و تقوایشان به دست راستشان می‌دهند)! آنها در باغهای بهشتند، و از مجرمان سؤال می‌کنند: چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت؟! می‌گویند: «ما از نمازگزاران نبودیم».

بنابراین با استناد به این آیه نخواندن نماز موجب داخل شدن در آتش جهنم است. مگر کسی که توبه کند و شروع به خواندن نماز کند، که در اینصورت امید است خداوند متعال توبه اش را بپذیرد و از آتش جهنم رهایی یابد و سبب نجات خویش در دارین گردد.

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

بعد از توبه لازم نیست تا نمازهای فوت شده ی گذشته اش را قضا کند، زیرا قضا کردن نماز صحیح نیست چرا که هر نمازی وقت معین خود را دارد و اگر در وقت مشخص خود خوانده نشود، دیگر قضا نخواهد شد مگر در دو حالت:

- 1- کسی خواب بماند و بعد که بیدار شد متوجه می شود که وقت نماز تمام شده.
- 2- کسی که آنقدر مشغله ی فکری داشته که یادش نبوده وقت نماز شده تا آنکه وقت آن تمام می شود.

نماز را در زبان عربی (صلاة) میگویند، و صلاة در زبان عربی به معنای دعا آمده است، چنانکه در قرآن کریم آمده: «حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (سوره توبه - آیه : 103). یعنی: از اموال آنها صدقه ای (بعنوان زکات) بگیر، تا بوسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی! و (به هنگام گرفتن زکات،) به آنها دعا کن؛ که دعای تو، مایه آرامش آنهاست؛ و خداوند شنوا و داناست. که در این آیه، کلمه: «صلاتک» یعنی «دعای تو».

کلمه «صلاة»:

کلمه «صلاة» (نماز) در زبان عربی به سه مفهوم آمده است:
اول: صلاة از ریشه (صلی) گرفته شده است و مفهوم آن (چیز کجی را حرارت و گرمی دادن) است تا راست شود، و نماز را صلاة میگویند؛ زیرا انسان به اساس مصروفیت ها و گرفتاری دنیوی، و خواهشات نفسانی مبتلا به کجی میشود، و نماز او را به عظمت پروردگار جل جلاله متوجه نموده، حرارتی را در قلبش بجا آورده و سبب استقامت انسان میگردد، «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» همانا برآستی که نماز انسان را از گناهان و بدکاری ها منع مینماید. انسان بر اثر نفس اماره دچار کجی شده است و بوسیله نماز به آن حرارت و گرمی و عظمت الله جل جلاله رسیده و کجی آن دور شود.
دوم: (صلاة) از اصل (صلت) گرفته شده است که به معنای تعلق و رابطه میباشد، و صلاة (نماز) ارتباط و علاقه انسان را با الله جل جلاله، مخلوقات، و همنوعانش مستحکم میسازد. زیرا انسان بی نماز با پروردگار عالمیان قطع رابطه نموده است، و با برگشت به نماز، رابطه اش را با الله جل جلاله دوباره مستحکم میسازد.

سوم: صلاة به معنای تحیت (احترام)، دعا و سلام نیز آمده است، زیرا مؤمنان یکتا پرست، تمامی احترامات خویش را در نماز خود به پروردگار خویش تقدیم میدارند، و در نماز عرض و نیاز به دربار الهی نموده، و با سخن گفتن به پروردگار دعای خویش را نیز برایش تقدیم میدارند.

و اما نماز در اصطلاح شریعت اسلامی:

عبارت از انجام عمل مخصوصی است که با لفظ «الله اکبر» آغاز شده و با لفظ «السلام علیکم ورحمة الله» ختم میشود، و دارای ارکان و شرایط خاصی میباشد از قبیل داشتن طهارت و وضوء، و قیام، رکوع، سجود، استقبال قبله، قرائت فاتحه قرآن کریم و خواندن اذکار می باشد.

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

چرا اسلام بر خواندن نماز تأکید همیشگی میکند:

اهمیت نماز در بین همه دستورهای درخشان اسلام، بدین جهت است که:

- 1- نماز روح انسان ها را به مبدا هستی بخش مرتبط و متصل می کند و با این ارتباط روح و جان انسان را زنده، با نشاط و آرام می سازد و او را برای انجام سایر تکالیف و وظایف فردی و اجتماعی آماده می کند از این رو می توان گفت نماز موتور محرکه سایر اعمال و دستورات اسلامی است، زیرا آن شخصیکه به نماز اهمیت بدهد، یقین داشته باشید که به سایر عبادات اهمیت بسزایی قایل بوده و با تمام اخلاصمندی آنرا بجاء میآورد. اما اگر مسلمانی نماز خویش را بوجه احسن انجام ندهد و به آن اهمیتی قایل نباشید، سایر اعمال عبادی اش نیز از بهره و ثمره ای برخوردار نخواهد بود.
- 2- نباید فراموش کرد که خواندن نماز علاوه بر آنکه انجام یک فریضه الهی است، بلکه خواندن نماز خود مانع بسیاری از اعمال بد شده و جلوی بسیاری از گناهان را میگیرد.

نماز گزار واقعی از فحشا و منکرات به دور می ماند و این خاصیت بازدارندگی نماز را «ان الصلاه تنهى عن الفحشاء والمنكر» را نمیتوان در سایر عبادات اسلامی در یافت. نماز، از لحاظ فهم سیاسی، مسلمانان سراسر جهان را هر روز به سمت قبله واحد، و مردم هر شهر و قریه در نماز جماعت با هم متحد می سازد. این حرکت در هر روز برای مسلمانان به مسلمانان شکوه و عظمت و اقتدار خاصی می بخشد.

معنا و مفهوم نماز:

مفهوم نماز:

نماز در لغت بمعنی دعا است. خداوند می فرماید: « خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ » (سوره توبه: 103). (ای پیامبر از اموال آنان، زکات بگیر که باعث پاکی و تزکیه آنها می شود و برای آنان، دعا کن چرا که دعایت، آرامش برای آنان بحساب می آید و خداوند، شنوا و داناست). چنانچه مشاهده می کنیم کلمه «صل» بمعنی «دعا کن» است. نبی اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: «إِذَا دُعِيَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجِبْ فَإِنْ كَانَ صَائِمًا فَلْيَصِلْ وَإِنْ كَانَ مُفْطِرًا فَلْيُطْعَمْ» مسلم (1431). معلقات بخاری قبل از حدیث شماره (4797).

«اگر کسی از شما (برای صرف غذا) دعوت شد، اجابت نماید. اگر روزه داشت، (برای صاحب غذا) دعای (خیر و برکت و استغفار) نماید. و اگر روزه نداشت، غذا بخورد». باید دانست که صلاة یعنی درودی که از طرف خداوند باشد، بمعنی ثناء و ستایش است و درودی که از طرف فرشتگان باشد، بمعنی دعا است. خداوند می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (سوره احزاب: 56) (همانا خداوند و فرشتگان بر پیامبر، درود می فرستند. ای کسانی که ایمان آورده اید، (شما هم) بر او، درود و سلام بفرستید).

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

ابوالعالیه می‌گوید: صلاة (درود) خداوند بمعنی تعریف و تمجید او، نزد فرشتگان است و درود فرشتگان بمعنی دعا است. و ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: یصلون یعنی تبریک می‌گویند. ثریق ابن عثیمین (228/3)

و برخی گفته اند: درود خدا یعنی همان رحمت الهی است و درود فرشتگان بمعنی استغفار کردن آنان است. و صحیح و درست، همان قول اول است (تفسیر ابن کثیر و شرح ممتع ابن عثیمین (228/3-229)).

خداوند متعال می‌فرماید: «أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ» (سوره بقره: 157) (آنان (همان بردباران با ایمانی هستند که) الطاف و رحمت و احسان و مغفرت خدایشان شامل حال آنان می‌گردد و مسلماً ایشان راه یافتگان (به جاده حق و حقیقت و طریق خیر و سعادت) هستند).

چنانچه مشاهده می‌کنیم رحمت، بر صلوات، عطف شده است و اقتضای عطف، مغایرت می‌باشد.

پس صلاتی که از طرف خداوند باشد بمعنی ستایش است و صلاتی که از طرف مخلوقات یعنی فرشتگان، جن و انس باشد، بمعنی نماز، رکوع، سجده، دعا و تسبیح گفتن است. و صلاتی (درودی) که از طرف پرندگان و خزندگان باشد، بمعنی تسبیح گفتن است. .. لسان العرب (465/14).

و «صلاة» در اصطلاح شریعت، عبارت از: عبادتی است که بخاطر خداوند، انجام می‌گیرد و شامل اقوال و افعال معین و بخصوص می‌باشد که با تکبیر، آغاز و با سلام، به پایان می‌رسد و این، اقوال و افعال مخصوص، «صلاة» نامیده شده اند زیرا دعا را نیز در برمیگیرند (المغنی (5/3) ابن قدامه والشرح الكبير (5/3) و الانصاف فی معرفة الراجح من اغلاف (5/3) و التعریفات جرجانی (174)).

در نتیجه کلمه «صلاة» که در آغاز به هر دعایی، اطلاق می‌شد، از آن مفهوم، انتقال پیدا کرد و هم اکنون بخاطر مناسبتی که میان دعا و نماز وجود دارد، همان افعال و اقوال مخصوص، کلمه صلاة یعنی نماز، اطلاق می‌شود. پس هرگاه، کلمه «صلاة» یعنی نماز در شریعت اطلاق شود، مفهوم آن، فقط نماز با همان افعال و اقوال مخصوص است) شرح العمدة ابن تیمیه (30/2 - 31).

و سرتاسر نماز، دعا یعنی طلب و درخواست است: زیرا طلب و درخواست یا با سؤال کردن، مطرح می‌شود چنانچه دعا کننده، خواهان جلب منفعتی و یا دفع ضرری می‌شود و طلب اینگونه نیازها از خداوند، فقط با زبان و سؤال کردن، انجام می‌گیرد.

یا اینکه طلب و درخواست با عبادت انجام می‌گیرد. چنانکه انسان با اعمال نیک از قبیل نماز، رکوع، سجده و غیره، طلب اجر و ثواب می‌نماید. پس کسی که این، عبادات را انجام می‌دهد، در واقع با زبان حال از الله، طلب مغفرت می‌نماید. و از سخنان فوق، روشن می‌شود که سرتاسر نماز، دعا و درخواست با زبان و یا طلب و درخواست بوسیله عبادت است چرا که نماز هر دو نوع را در بر می‌گیرد.

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

نماز در لغت به معنای پرستش، نیاز، سجود، بندگی و اطاعت، خم شدن برای اظهار بندگی و اطاعت و یکی از فرایض دین و عبادت مخصوصی است که مسلمانان پنج بار در شبانه روز به جا می آورند. نماز یعنی خدمت و بندگی، فرمان برداری، سر فرود آوردن و تعظیم کردن به نشانه احترام. نماز، داروی نسیان و وسیله ذکر خداوند است. نماز، رابطه معنوی مخلوق با خالق است. نماز یعنی دل کندن از مادیات و پرواز دادن روح؛ یعنی پا را فراتر از دیدنی ها و شنیدنی ها نهادن.

معنای لغوی نماز:

معنای لغوی نماز دعای خیر می باشد طوری که الله سبحانه و تعالی به پیامبر اش می فرماید: « وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ » صلات بفریست بر آنان ، (یعنی درحق شان دعای خیر بعمل آر) واقعاً دعا خیر تو برای آنها باعث وقار، و بردباری است. اما نماز در شریعت عبارت از اعمال و گفتار است که تعلیم از جانب پروردگار و پیامبر صلی الله علیه و سلم برای ما بعمل آمده است . نماز با تکبیر (الله اکبر) آغاز و با تسلیم (سلام گفتن) خاتمه می پذیرد.

کیفیت فرض گردیدن نماز:

محدثین در مورد کیفیت فرض گردیدن نماز مینویسند: نماز هدیه ای است که در شب معراج رسول اکرم ، صلی الله علیه و سلم ، به نزد پروردگار فرض گردیده است. محدثین تاریخ آن را تقریباً پنج سال قبل از هجرت می نویسند، که این به بیست و هفتم ماه رمضان سال 616 میلادی: یعنی به سال هشتم آشکار شدن نبوت محمد صلی الله علیه و سلم برابر می باشد.

حکمت در فرضیت بودن نماز این است، که علاقه بنده را با پروردگارش مستحکم می کند و او بسبب ادا کردن نماز خالق مهربانش را شکر سپاس می گوید. این عمل سبب رضایت پروردگار شده او تعالی این بنده شکر گذارش را از نعمتهای دنیوی و اخرویش بهرور می سازد.

قرآن عظیم الشان با زیبایی خاصی میفرماید: « لَإِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ و لَإِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ »

(یعنی اگر شکر گذار گردیدید البته نعمتهایم را به شما افزون خواهم کرد. و اگر ناسپاسی کردید پس بدانید عذاب من بسیار سخت می باشد).

اما آن منفعت های شخصی، که نماز گزار به سبب خواندن نماز کسب می کند این است، که اگر آن را با اخلاص بخواند همیشه در بالای خود الله سبحانه و تعالی را نظارت کننده می بیند.

یکی از منفعت های بسیار مهم که نماز برای انسان میرساند ، اینست که نماز ، انسان را از فحشا و منکر باز میدارد: قرآن عظیم الشان (در سوره العنکبوت: آیه 45) میفرماید: « وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ » (و برپا بدار نماز را! بدرستی نماز از کارهای بی حیایی و ناپسند منع می نماید).

و در حدیثی دیگری آمده است: « مَنْ لَمْ تَنْهَهُ صَلَاتُهُ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَمْ تَزِدْهُ مِنَ اللَّهِ

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

إلا بعدا وفي رواية فلا صلاة له « (رواه الطبرانی وغیره مر فوعا وموقوفا) هرکه را نمازش از کارهای بی حیایی و ناپسند منع ننماید او را از الله تعالی به جز دوری دیگر چیزی نتیجه نباشد. و در روایتی چنین آمده که نمازش درست نشود. چون مسلمان عاقل و مخلص همیشه می کوشد تا هیچ کار بدی را انجام ندهد تا نمازش نزد خداوند نامقبول نشود. زیرا او خوب می داند، که الله تعالی نماز را سبب نجات او گردانیده است و گر نه الله تعالی هیچ احتیاجی به نماز وی ندارد.

خواندن نماز چیزی را در ذات و صفات الله تعالی زیاد نه کند و نخواندنش چیزی را از او کم نکند. اما فایده های اجتماعی نماز بسیار بزرگ اند.

در مورد کیفیت فرض گردیدن نماز در شب اسراء در حدیثی از انس بن مالک (رضی الله عنه) روایت است که گفت: ابوذر (رضی الله عنه) از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت میکرد که فرمودند: « هنگامیکه به مکه بودم سقف خانه ام شکافته شده و جبریل (علیه السلام) داخل گردید، سینه ام را گشوده و به آب زمزم شست، بعد از آن طشتی راکه پُراز حکمت و ایمان بود، آورده و در سینه ام خالی کرده، و شکاف سینه ام را بست بعد از آن دستم را گرفته و به سوی آسمان عروج نمود، چون به آسمان اول آمدم، جبریل به دربان آسمان گفت: باز کن، دربان گفت: کیست؟ جبریل گفت من جبریل هستم.

گفت: کسی همراهت هست؟ گفت: بلی! محمد (صلی الله علیه وسلم) همراهم میباشد.

گفت: آیا او مبعوث شده است؟ گفت: بلی. و دربان، درب را گشود، چون به آسمان دنیا بالا شدیم، دیدیم شخصی نشسته و مردمانی بطرف راستش و مردمانی بطرف چپش قرار دارند، چون بطرف راستش نگاه میکند می خندد، و چون بطرف چپش می بیند میگیرد، (مارا مخاطب قرار داده) و گفت:

پیامبر نیکو کار، و فرزند نیکو کارم خوش آمدید، از جبریل پرسیدم: این شخص کیست؟ گفت: این (آدم) (علیه السلام) است، و این چیزهاییکه بطرف راست و چپش قرار دارند، ارواح اولادش می باشد، آنهائیکه بطرف راستش هستند: اهل جنت، و آنهائیکه بطرف چپش میباشند: اهل دوزخ هستند، چون بطرف راستش می بیند می خندد، و چون بطرف چپش نگاه میکند میگیرد.

بعد از آن مرا به سوی آسمان دوم برده و به دربان همان چیزی را که دربان آسمان اول گفته بود، تکرار نموده و درب را گشود. *

انس (رضی الله عنه) میگوید: که ابوذر (رضی الله عنه) برایش گفته است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در آسمانها: (آدم)، (ادریس)، (موسی)، (عیسی) و (ابراهیم) صلوات الله عنه، اماکن آنها را مشخص کرده نه توانست، فقط همین قدر به خاطر داشت پیامبر صلی الله علیه وسلم، آدم علیه السلام را در آسمان دنیا، و ابراهیم علیه السلام را در آسمان ششم دیده اند.

از انس (رضی الله عنه) روایت است که گفت: چون جبریل با پیامبر صلی الله علیه

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

وسلم نزد ادریس علیه السلام رسیدند گفت: پغمبر نیکو کار، و برادر نیکو کارم خوش آمدید، پیامبر صلی الله علیه وسلم میگویند: پرسیدم:

﴿این شخص کیست؟﴾ جبریل (علیه السلام) گفت: این ادریس است.
بعزازان نزد موسی (علیه السلام) رسیدیم، او هم گفت: پیامبر نیکو کار، و برادر نیکو کارم خوش آمدید، پرسیدم: ﴿این کیست؟﴾

گفت: این موسی (علیه السلام) است.

بعزازان نزد عیسی (علیه السلام) رسیدیم، او هم گفت: پیامبر نیکو کار، و برادر نیکو کارم خوش آمدید، پرسیدم: ﴿این کیست؟﴾ گفت: این عیسی (علیه السلام) است.
بعزازان نزد ابراهیم (علیه السلام) رسیدیم، او گفت: پیامبر نیکو کار، و فرزند نیکو کارم خوش آمدید، پرسیدم:

﴿این کیست؟﴾ گفت: این ابراهیم (علیه السلام) است.

انس (رضی الله عنه) میگوید: این عباس (رضی الله عنهما) و (ابو حبه انصاری) (رضی الله عنه) می گفتند که: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند که: ﴿بعزازان تاجائی بر ده شدم که آواز اقلام (ملائکة) را میشنیدم.﴾

انس بن مالک (رضی الله عنه) میگوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

﴿خداوند بر امت من پنجاه وقت نماز، فرض گردانید، باهمین حکم برگشته تا آنکه نزد موسی (علیه السلام) رسیدم، پرسید: خداوند بر امت تو چه چیز فرض نمود؟
گفتم: پنجاه وقت نماز، گفت: واپس بسوی پروردگارت برگرد، چون امت تو طاقت این را ندارند، برگشتم و خداوند متعال قسمتی از آن را ساقط نمود، باز برگشته و نزد موسی آمده و گفتم: خداوند متعال قسمتی از آن را ساقط نمود، گفت: نزد پروردگارت برگرد، چون امت تو طاقت آن را ندارند، برگشتم و باز خداوند متعال قسمتی از آن را ساقط نمود، گفت: باز نزد موسی آمده و باز برایم گفت: نزد پروردگارت برگرد، زیرا امت تو طاقت آن را ندارند، باز برگشتم، و برایم گفت: این پنج است (در عدد)، و پنجاه است (در ثواب)، و این گفته ام تغییر پذیر نیست، باز نزد موسی آمده و او برایم گفت: نزد پروردگارت برگرد، گفتم: از پروردگام حیا میکنم.

در فیض الباری در مورد این حدیث می نویسد:

طوری که از ظاهر حدیث بر می آید، نبی کریم صلی الله علیه وسلم پنج بار به پروردگارش مراجعه کردند، و در هر باری ده نماز تخفیف داده می شود، ولی امام ابن حجر رحمه الله می گوید: به اساس تحقیقی که من انجام دادم، تخفیف نماز در هر بار پنج نماز بود، که به این اساس پیامبر صلی الله علیه وسلم نه بار جهت طلب تخفیف نزد پروردگار خود رفتند.

در مرتبه اخیر که موسی علیه وسلم از پیامبر خدا خواست که نزد پروردگار رفته و طلب تخفیف نماید، ایشان فرمودند که حیا می کنم، سببش این بود که چون در هر باری که مراجعه می کردند، پنج نماز تخفیف می یافت، اگر این بار طلب تخفیف می کردند،

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

معنایش این بود که طلب از بین رفتن نماز را می کنند ، از این سبب حیا کردند .

حکم نماز در اسلام:

طوریکه در فوق متذکر شدیم قرآن، سنت و اجماع امت، نماز را بر هر مسلمان عاقل و بالغ، فرض گردانیده است. فقط بر زنی که در دوران حیض یا نفاس بسر می برد، فرض نیست.

خداوند متعال می فرماید: « وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيُعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ » (سوره بینه آیه 5) (و به آنان دستور داده نشده است مگر اینکه خداوند را مخلصانه و حق گرایانه پرستش نمایند و فقط بر دین او باشند و نماز را بر پای دارند و زکات بدهند. و این است آیین راست و درست).
و درجایی دیگر می فرماید: « إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا » . (سوره نساء: آیه 103) (همانا نماز بر مؤمنان فرض است و اوقات معینی دارد).
هنگامی که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم حضرت معاذ را به یمن فرستاد، فرمود: «و به آنها اعلام کن که خداوند در شبانه روز، پنج نماز بر آنها فرض گردانیده است» (بخاری 1395 و مسلم 50).

ابن عمر (رض) می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: « بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَ صَوْمِ رَمَضَانَ وَ الْحَجِّ لِمَنْ اسْتَطَاعْتُمْ ». (بخاری (8) و مسلم (16))

اسلام بر پنج چیز بنیان گذاری شده است:

- 1- شهادت و گواهی دادن بر اینکه هیچ معبودی جز الله، وجود ندارد.
 - 2- برپا کردن نماز.
 - 3- پرداخت زکات.
 - 4- روزه گرفتن ماه مبارک رمضان.
 - 5- حج بیت الله برای کسی که استطاعت آنرا دارد».
- عبادة بن صامت (رض) می گوید: شنیدم که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «خَمْسُ صَلَوَاتٍ كَتَبَهُنَّ اللَّهُ عَلَى الْعِبَادِ فَمَنْ جَاءَ بِهِنَّ لَمْ يَضِيعْ مِنْهُنَّ شَيْئًا اسْتَحْفَافًا بِحَقِّهِنَّ كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدٌ أَنْ يَدْخُلَهُ الْجَنَّةَ». «خداوند، پنج نماز بر بندگانش، فرض نموده است. هر کس، آنها را بدون استخفاف، ادا نماید و ضایع نگرداند، خداوند، عهد نموده است که او را وارد جنت نماید».
- آیات و احادیث درباره فرضیت نماز بسیار زیادند که ما به ذکر همین اندازه اکتفا می کنیم. همچنین امت اسلام بر فرض بودن پنج نماز در شبانه روز، اجماع نموده اند. (المغنی ابن قدامه (6/3) . (4) بخاری (114/1) و مسلم .).
- اما نمازهای پنج گانه بر زنانی که در دوران عادت ماهیانه و یا نفاس بسر می برند، فرض نیست زیرا رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «أَلَيْسَتْ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تُصَلِّ وَ لَمْ تَصُمْ». یعنی مگر نه این است که زن، در دوران عادت ماهانه، نماز نمی خواند و روزه نمی گیرد؟

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

مقام نماز در اسلام:

نماز در دین مقدس اسلام از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. و دلایل آن عبارتند از:

1- نماز، ستون دین است:

در دین مقدس اسلام و شرعیت غرای محمدی نماز بمثابة ستون معرفی گردیده است، این بدین معنی است که: دین بدون این ستون، اساساً برپا نمی شود. در حدیثی معاذ بن جبل می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ وَزُرْوَةٌ سَنَامِهِ الْجِهَادُ». یعنی «رأس امور اسلام و ستون آن، نماز است. و قله آن، جهاد می باشد». و باید دانست که اگر ستون بیفتد، ساختمان عمارت، نابود خواهد شد. (ترمذی (2616) و ابن ماجه (1314/2) و احمد (231/5). و ترمذی درباره آن، گفته است: این حدیث، حسن و صحیح است و شیخ آلبانی نیز آنرا در ارواء القلیل (138/2) تحسین نموده است.)

2- اولین عملی که بنده بخاطر آن محاسبه می شود، نماز است.

و حتی خوبی و بدی اعمال انسان، به نمازش، بستگی دارد. انس بن مالک روایت می کند که: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (أَوَّلُ مَا يَحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَلَاتُهُ فَإِنْ أَكْمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ نَافِلَةٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَكْمَلَهَا قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِمَلَائِكَتِهِ انظُرُوا هَلْ تَجِدُونَ لِعَبْدِي مِنْ تَطَوُّعٍ فَأَكْمَلُوا بِهَا مَا ضَيَعَ مِنْ فَرِيضَتِهِ ثُمَّ تَوَخَّذُوا الْأَعْمَالَ عَلَى حَسَبِ ذَلِكَ) «اولین چیزی که در روز قیامت، بنده بخاطر آن، محاسبه می شود، نماز است. اگر نمازش را کامل ادا نموده است، بطور کامل، برایش بحساب می آید. و اگر نمازش را بطور کامل ادا نکرده است، خداوند به فرشتگانش می گوید: ببینید آیا بنده ام، نماز نفلی دارد که فریضش را بوسیله آن، کامل کنید؟ بعد از آن، محاسبه زکات و سایر اعمال به همین ترتیب، انجام می گیرد». (ابوداود (864، 866) و ابن ماجه (1425) و احمد (65/4، 903، 377/5) و صحیح الجامع آلبانی (353/2).

3- آخرین چیزی که از دین، ضایع می شود، نماز است.

پس اگر نماز که آخرین امر دین است، ضایع گردد، چیزی از آن، باقی نمی ماند. ابوامامه می گوید: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: (لَيُنْقِضَنَّ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةَ عُرْوَةً فَكُلَّمَا انْتَقَضَتْ عُرْوَةٌ تَشَبَّثَ النَّاسُ بِالَّتِي تَلِيهَا وَأَوَّلُهُنَّ نَقْضًا الْحُكْمُ وَآخِرُهُنَّ الصَّلَاةُ). «ریسمانهای اسلام، یکی پس از دیگری، کنده می شوند. هر گاه، یکی کنده شود، مردم به ریسمانهای بعدی، چنگ می زنند. اولین ریسمانی که کنده می شود، حکومت (حاکمیت اسلام) است و آخرین آنها، نماز می باشد».

و در روایتی دیگر، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «اولین چیزی که از میان مردم، برداشته می شود، امانت است و آخرین چیزی که باقی می ماند، نماز است و چه بسا نمازگزار یافت می شود که هیچگونه خیری نداشته باشد». (احمد (290/6، 311، 321) و آلبانی در إرواء القلیل (238/7) آنرا صحیح دانسته است.

4- آخرین وصیت پیامبر اسلام به امتش، نماز بود:

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

نماز، آخرین وصیتی است که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم امتش را به آن، وصیت کرد.

ام سلمه رضی الله عنها در حدیثی میفرماید: یکی از آخرین وصیت های رسول الله صلی الله علیه وسلم این بود که «الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ حَتَّى جَعَلَ نَبِيُّ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَلْجُلُجُهَا فِي صَدْرِهِ وَمَا يَفِيصُ بِهَا لِسَانُهُ».

5- خداوند، اقامه کنندگان نماز و کسی را که خانواده اش را بداند امر می کند ستوده است آنجایی که می فرماید: « وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا (54) وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا » (سوره مریم: 54 و 55). (و در قران از اسماعیل یاد کن. او در وعده هایش راست، و پیامبر و الا مقامی بود. و خانواده اش را همواره به خواندن نماز و دادن زکات، دستور می داد و نزد پروردگارش، مورد رضایت بود).

6- خداوند، کسانی را که تنبلی می کنند و نماز را ضایع می نمایند، مذمت نموده است. چنانچه می فرماید: « إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كَسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا » (سوره نساء: 142) (همانا منافقان، خدا را فریب می دهند در حالی که خداوند، آنان را فریب می دهد. و هنگامی که برای نماز بر می خیزند با سستی و تنبلی، و برای نشان دادن مردم، نماز می خوانند. و خدا را فقط اندکی یاد می کنند).

7- بزرگترین رکن و ستون اسلام بعد از شهادتین، نماز است. عبد الله بن عمر (رضی الله عنهما) می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «بُنِيَ الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَصِيَامِ رَمَضَانَ وَحَجِّ النَّبِيِّتِ». اساس اسلام بر پنج چیز بنا نهاده شده است: - شهادات و گواهی دادن بر اینکه هیچ معبودی بجز الله، وجود ندارد و محمد صلی الله علیه وسلم

فرستاده خداست.

- برپا داشتن نماز.

- پرداخت زکات.

- روزه ماه مبارک رمضان.

- حج بیت الله الحرام. (بخاری (8) و مسلم (16)).

8- یکی از اموری که بر عظمت نماز دلالت می کند، اینست که خداوند، آنرا بواسطه جبرئیل (ع) و در زمین، فرض نگرداند بلکه بدون واسطه در شب معراج و بالای هفت آسمان، آنرا فرض نمود.

9- و از آنجا که نماز از اهمیت بسیار والایی برخوردار است، خداوند اعمال رستگاران را با نماز آغاز نموده و با نماز به پایان رسانیده است چنانکه می فرماید: « قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ (1) الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (2) وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّعْوِ مُعْرِضُونَ (3) وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ (4) وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ (5) إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاحِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

فَأَنَّهُمْ غَيْرُ مُؤْمِنِينَ (6) فَمَنْ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ (7) وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (8) وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ « (سوره مؤمنون: ۱- 9) .
(همانا مؤمنان، رستگار شدند. آن کسانی که در نمازشان، خشوع دارند، و از کارهای بیهوده، روی می‌گردانند، زکات اموالشان را می‌پردازند و شرمگاهایشان را حفاظت می‌کنند بجز همسران و کنیزان خود. که در این صورت، قابل سرزنش نیستند. و کسانی که غیر از این را دنبال کنند، آنان تجاوزکارند. همچنین مؤمنان رستگار، کسانی هستند که امانت دارند و به عهد و پیمان خود، وفا می‌کنند و از نمازهایشان محافظت می‌کنند).

10- خداوند به نبی اکرم صلی الله علیه وسلم و پیروانش دستور داده است که خانواده های خود را به خواندن نماز، امر کنند: « وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ » . (سوره طه: 132). (خانواده ات را به خواندن نماز، امر کن و خود نیز بر خواندن آن، استقامت کن. ما از تو روزی نمی‌خواهیم بلکه ما به تو روزی می‌دهیم و سرانجام از آن پرهیزگاری است).

عبد الله بن عمر می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَهُمْ أَبْنَاءُ سَبْعِ سِنِينَ وَاصْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَهُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ وَفَرِّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ»
«فرزندانتان را در سن هفت سالگی، به خواندن نماز وادار کنید و در ده سالگی، آنها را بخاطر نماز، تنبیه کنید و محل خواب آنها را جدا کنید». (ابوداود (495) و احمد (180/2، 187) و آلبنی آنرا در ارواء القلیل (7/2 و 266/1) صحیح دانسته است.
علما میگویند همین که اطفال به سن هفت سالگی قدم گذاشت بر والدین لازم می شود او را به نماز وادار کنند ، و هر گاه به سن ده سالگی رسید او را بر نخواندن نماز تنبیه و مجازات نمایند .

ولی متأسفانه دیده شده که در بسیاری از فامیل ها والدین ، خودشان خیلی نیک و صالح و پایبند نماز می باشند ، اما نسبت به نماز فرزندشان توجهی کمتر بخرج میدهند .
خودشان صبح وقت برای نماز میخزند و به سوی مسجد میروند ، ولی فرزندان 8 سال یا 10 ساله شان در برابر چشمانشان خوابیده اند ، او را بیدار نمی کنند تا مبادا خوابش خراب نشود ، در صورتیکه اگر فرزند نماز نخواند ، خود او به دلیل غیر مکلف بودن گناهکار نمی شود ، اما پدر و مادر به دلیل اینکه دستور رسول الله صلی الله علیه وسلم را در مورد فرزند خویش عملی نساخته ، گناهکار می شوند.

پدر و مادر وظیفه دارند تا اطفال خویش از کودکی به رفتن به مسجد و نماز جماعت عادت دهند ، آیات بیشمار قرآنی و احادیث متعددی پیامبر اسلام بر اهمیت نماز در اسلام دلالت می کند ، پدر و مادر باید بدانند که اگر فرزندان در کودکی پایبند نماز نشدند ، در بزرگی خیلی مشکل است که حرفشان را گوش کنند ، بدیهی است فرزندان که نماز را ضایع کنند در هر امر دیگر کوتاهی خواهند کرد .

11- به کسی که در خواب بماند و یا هم اقامه نماز را فراموش کند، دستور داده شده است تا قضای آن را بجای آورد. و این امر ، اهمیت نماز را می‌رساند.

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

انس بن مالک می گوید: نبی اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً فَلْيُصَلِّهَا إِذَا ذَكَرَهَا لَا كَفَّارَةَ لَهَا إِلَّا ذَلِكَ». (هر کس نمازی را فراموش کرد، هنگامی که بیادش آمد، آنرا بخواند. زیرا نماز، کفاره‌ای جز این (قضا آوردن) ندارد». و در روایتی دیگری در صحیح مسلم، چنین آمده است که رسول اکرم فرمود: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً أَوْ نَامَ عَنْهَا فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا» (هر کس نمازی را فراموش کرد یا خواب رفت، کفاره‌اش اینست که هنگام یاد آمدن (یا بیدار شدن) آنرا بخواند». (روایت بخاری (597) و مسلم (648) .

همچنین، کسی که سه روز یا کمتر، بی‌هوش شود، حکم کسی را دارد که خواب رفته باشد (بعد از اینکه به هوش آمد، نمازهای فوت شده را بخواند) و این مطلب از عمار، عمران بن حصین و سمره بن جندب (رضی الله عنهم) روایت شده است. (الشرح الکبیر ابن قدامه (8/3) و المغنی (50/2 - 52). ولی اگر دوران بیهوشی، بیشتر از سه روز باشد، قضا آوردن نمازهای فوت شده، لازم نیست زیرا شخصی که بیشتر از سه روز بیهوش شود، در زوال عقل به انسانی که دیوانه است شباهت دارد. (تفصیل موضوع را میتوان در فتاوی شیخ عبدالعزیز بن عبدالله (457/2) مطالعه فرماید.)

سه اصل اساسی در عبادت

علماء میفرمایند که عبادت پروردگار با عظمت ما بر سه اصل (محبت ، ترس و رجاء (امید) استوار است .

و علماء می افزایند که این سه اصل به پرنده ای میماند که سر آن محبت ، و دو بال این پرنده مانند ترس و رجاء (امید) است، پس هر زمانیکه محبت در عبادت پروردگار با عظمت در کار نباشد، عبادت بصورت کل باطل است، مانند پرنده ی که اصلاً سر نداشته باشد ، و اگر ترس و امیدش به خداوند برابر نباشد، مانند پرنده پر و بال شکسته است که هر بالی که شکسته باشد به همانطرف کشیده خواهد شد و توازنش را از دست میدهد.

خداوند این سه اصل را در عبادت در سوره (الإسراء: آیه 57) چنین بیان فرموده است : « أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَى رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ» (آن کسانی که کافران آنان را می‌پرستند، خود به‌سوی پروردگارشان تقرب می‌جویند و به رحمت وی امیدوارند و از عذابش می‌ترسند چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است)

و خواستن وسیله طلب کردن عبودیت و محبت خداوند است، و کسی که محبت خداوند داشته باشد با عمل صالح به او نزدیک میشود و ترس از او سبب ترک مصیبتش میشود. و محبت اصل و اساس اخلاص است و عبارت است از تدلل در برابر خداوند و تعظیم او، و ترس واقعی از خداوند اینست که بنده را از ارتکاب محرمات و گناه باز دارد، و رجاء (امید) به خداوند آن است که اگر عبادت خداوند را انجام دهد امید آن داشته باشد که خداوند از او قبول میکند و پاداشش دهد، و اگر گناه کند و توبه کند، امید آن داشته باشد

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

که خداوند توبه اش را میپذیرد و او را میبخشد، و علماء اجماع کرده اند که رجاء بدون عمل مفید نیست، و اگر کسی طاعت خداوند نکند و کارهای نیک انجام ندهد و سپس به خداوند امید داشته باشد که او را زیر رحمت خویش قرار دهد و یا اینکه او را ببخشد، به این آرزو و غرور و سفاهت میگویند و منفعتی برای او نخواهد داشت، و رجاء و امید داشتن به خداوند مانند کسی است که مثلاً دانه ای بکارد و اسباب رویش آنرا فراهم سازد و سپس به خداوند امید داشته باشد که رشد کند و ثمر دهد، ولی آرزو و غرور داشتن مانند کسی است که بدون کاشت بخواهد درو کند و محصول بر آورد کند که هرگز نخواهد کرد.

تصرف در عبادت :

خواننده محترم در آخر این باب توجه شما را به موضوع تصرف در عبادت جلب می کنم : تصرف در عبادت بمعنی زیاد کردن و یا هم کم کردن عبادت است ، که این تصرف در عبادت به اتفاق علماء جواز ندارد .

اصل عبادت در شرع توقیفی است ، یعنی : عمل به آن به همان طریقی در عبادات واجب است که از صاحب شریعت به ثبوت رسیده است و جای در آن برای بحث از حکم و علل نیست .

مثلاً برای یک مسلمان روا نیست که نماز عصر پنج رکعت و یا سه رکعت بخواند ، و روا نیست که طواف کعبه را شش بار و یا هم هشت بار بعمل آرد ، و یا در جمرات شش سنگ ریزه را استعمال نماید و یا عدد سنگ ریزه را به هشت بالا ببرد ، و یا روزه ماه مبارک رمضان را یک روز بیشتر و یا هم یک روز کمتر سازد .

ولی تصرف در وسایل عبادت مساله دیگری است ، تصرف در وسایل عبادت عبارت است که : اگر به اساس مصلحت و یا روی ضرورت باشد ، این تصرف روا میباشد مثلاً : در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم در مسجد فرشی وجود نداشت ، ولی امروز مساجد را فرش می کنند و این مصلحت عبادت است ، باکی ندارد ، نبی اکرم صلی الله علیه وسلم سوار بر شتر به حج می رفتند ، ولی امروز مسلمانان سوار بر موتر و ، گشتی و پیاده عازم بیت الله شریف می شوند این عمل هیچ باکی به عبادت نداشته و شرعاً جواز دارد . مثلاً قبلاً اذان بدون میکرفون و وسایل تخنیکی صورت می گرفت ولی امروز با وسایل برقی صورت می گیرد در اینجا اصل عبادت نماز است و اذان وسیله برای آگاه ساختن مردم از وقت نماز است . بناً اگر اذان به میکرفون صورت میگیرد باکی ندارد در حالیکه میکرفون وسیله نو محدثی است که در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم وجود نداشت . و از این قبیل مثال های متعددی وجود دارد که از تفصیل آن صرف نظر بعمل میاوریم .

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

فهرست موضوعات :

1	مفهوم عبادت و نماز در اسلام
2	فطری بودن عبادت
3	عبادت راز آفرینش است
4	تشویق به عبادت
5	اثرات عبادت و بندگی الله (ج)
6	حکمت و هدف عبادت، بخصوص نماز در اسلام
7	نقش عبادات در تزکیة اخلاق
8	در دین مقدس اسلام عبادت 24 ساعته است
9	چرا عبادت فقط نماز خواندن باشد؟
10	آیا نماز اصل دین است؟
11	کلمه «صلاة»
12	و اما نماز در اصطلاح شریعت اسلامی
13	چرا اسلام بر خواندن نماز تأکید همیشگی میکند
14	معنا و مفهوم نماز
15	معنای لغوی نماز
16	کیفیت فرض گردیدن نماز
17	حکم نماز در اسلام
18	مقام نماز در اسلام
19	سه اصل اساسی در عبادت
20	تصرف در عبادت

مفهوم عبادت و نماز در اسلام

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
وداکتر صلاح الدین « سعیدی - سعید افغانی »

ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com
strategicstudies@yahoo.com